

## کنکاشی در تأثیرات متقابل جغرافیای فرهنگی ایران و مصر

معصومه نصیری\*

E-mail: m37nasiri@yahoo.com

### چکیده:

هدف این تحقیق بررسی تأثیرات متقابل فرهنگی و سیاسی ایران و مصر است. نگارنده در پی پاسخ به این سؤال است که ایران و مصر، به عنوان دو کشور برخوردار از مرزهای سرزمینی، میراث سیاسی و هویت فرهنگی ویژه، چه تأثیری بر فرهنگ یکدیگر داشته‌اند؟ در این تحقیق اشتراکات دینی، معماری و حرکتهای فکری - فرهنگی و سیاسی دو کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج پژوهش موردی نشان می‌دهد که مهمترین زمینه‌های تأثیر فرهنگی ایران باستان و مصر، به دنبال حاکمیت پادشاهان ایرانی بر مصر و گسترش مناسبات سیاسی و اجتماعی و معماری بوده است. پس از ظهور اسلام نیز نفوذ تدریجی این دین و حضور معماران مسلمان ایرانی و مصری در سرزمین یکدیگر، سبب گسترش تعاملات و خلق چشم‌اندازهای فرهنگی ویژه در هر دو کشور گردیده است. یکی از مهمترین زمینه‌های تأثیر فرهنگی ایران بر تحولات سیاسی مصر، طی دو قرن اخیر، سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود که سال‌ها در کشورهای اسلامی به ویژه مصر، از طریق تدریس در جامع‌الازهر و انتشار روزنامه، به نشر افکار آزادی‌خواهی و اسلامی پرداخت و در بیداری مسلمانان مصر و استقلال سودان نقش عمده‌ای ایفا کرد. در سال‌های اخیر نیز اندیشه‌های روشنفکر مذهبی ایران دکتر شریعتی در روشنگری افکار توده مردم، به ویژه جوانان مصری نقش بسیار مؤثری بر جای نهاد. از این رو با توجه به اینکه هر دو کشور از کانون‌های مهم اسلام در جهان محسوب می‌شوند، گسترش روابط فرهنگی و سیاسی سبب پیشرفت هر دو کشور و تقویت جهان اسلام خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ، فرهنگ، جغرافیا، ایران، مصر



## مقدمه

تعامل فرهنگی و سیاسی ایران و مصر در طول تاریخ را می‌توان بر مبنای رابطه‌ای مستمر و در عین حال رقابت‌آمیز توصیف کرد. هر دو کشور، در برهه‌هایی از تاریخ خود پرچمدار جنبش‌های ملی، سیاسی، مذهبی و اقداماتی در زمینه نفوذ استراتژیک خود در دیگر مناطق بودند که این همه حاکی از بالندگی تمدن ایران و مصر است.

ایران و مصر، دو کشور قدرتمند و با پیشینه تاریخی طولانی به شمار می‌روند که از لحاظ جغرافیایی، دو گذرگاه استراتژیک خاورمیانه یعنی تنگه هرمز در خلیج فارس و کانال سوئز در دریای سرخ (فلاح زاده، ۱۳۸۳: ۲۱) در قلمرو هر یک از آن دو قرار دارد. از نظر استراتژیک، مصر همراه با کشورهای آمریکا، شوروی، اسرائیل، ترکیه، عراق، عربستان، امارات، پاکستان و ترکمنستان در زمره کشورهای استراتژی است که بر امنیت ملی ایران اثر می‌گذارد (حسینی، ۱۳۸۱: ۸)؛ همچنانکه ایران در امنیت ملی مصر نقش برجسته‌ای دارد. ایران و مصر، در دو سوی خاورمیانه، دو قدرت منطقه‌ای به شمار می‌روند که ویژگی‌های چندی آنها را همسان نموده است. از یک سو، هر یک از این دو بر امنیت ملی دیگری اثر می‌گذارد و از سوی دیگر اتحاد این دو قدرت منطقه‌ای با موقعیت طبیعی آنها در تسلط بر تنگه هرمز و کانال سوئز، می‌تواند برای قدرت‌های بزرگ مخاطره‌آمیز باشد. این واقعیت ناشی از نقش بی‌بدیل ایران در خلیج فارس، آسیای میانه و قفقاز و نقش بی‌بدیل مصر در جهان عرب و شمال آفریقا است. برخی از ویژگی‌های مشترک فرهنگی و سیاسی دو کشور عبارتند از:

- پیشینه تاریخ کهن امپراتوری عظیم ایران و مصر؛  
- پذیرش اسلام توسط دو مرکز باستانی ایران و مصر با سابقه معتقدات مذهبی خاص خود؛

- مسلمان‌بودن و جایگاه اثرگذار اسلام در بسیج افکار عمومی دو کشور؛

- برخورداری از موقعیت استراتژیک در دو آبراه خلیج فارس و دریای سرخ؛

- توان تأثیرگذاری فرامنطقه‌ای؛

- سابقه مبارزات استعماری؛

- تجربه انقلابی، با تغییر نظام سلطنتی به جمهوری؛

- اعتقاد به اسلام سیاسی در بسیاری از نخبگان سیاسی و رشد بنیادگرایی اسلامی؛

- تهدید امنیتی مشترک (اسرائیل).

در کنار این مشترکات، ایران و مصر از تفاوت‌هایی چند از جمله موارد زیر برخوردار هستند:

- اختلاف زبان و مذهب (شیعه و سنی)؛

اختلاف در تلقی مبتنی بر جدایی دین از سیاست (در مصر) و عکس آن (در ایران). نقاط اشتراک و افتراق یادشده، معمولاً سبب همگرایی و گاه رقابت میان دو کشور است که در برخی موارد، تنش در روابط و قطع مناسبات سیاسی دو کشور را به همراه داشته است. در عین حال، روابط فرهنگی کماکان ادامه داشته است. هدف این مقاله شناسایی نقش و تأثیر ایران، به عنوان موجودیت جغرافیایی و تاریخی ویژه (احمدی، ۱۳۸۲: ۹) بر فرهنگ مصر باستان و معاصر، و چگونگی تأثیرپذیری آن از مصر است. این شناسایی موجب بازشناسی جایگاه و شأن تاریخی هر دو کشور شده و زمینه ارائه نقش فعال‌تر در گسترش روابط میان دو کشور را در سطح بین‌المللی فراهم خواهد آورد. بازنگری در روابط گذشته، بازبایی عناصر مشترک دو تمدن ایران و مصر و احیای مضامین معنوی و فرهنگی در قالب‌های نو، امری بجا و مؤثر به شمار می‌آید. در این رابطه می‌توان تأثیرات فرهنگی ایران و مصر را در حوزه‌های تاریخی، دینی، حرکت‌های سیاسی - فرهنگی و معماری بررسی نمود و ریشه‌ها و خاستگاه یگانگی‌های فرهنگی این دو کشور باستانی و مسلمان را جستجو کرد. برای این منظور می‌بایست روابط متقابل اجتماعی را در ادوار مختلف تاریخی، از گذشته تا کنون مورد بررسی قرار داد، وجوه تشابه اجتماعی - فرهنگی دو کشور را در دوره‌های اسلامی یافت و بسترها و حوزه‌های مناسب برای گسترش همکاری‌ها و تعاملات سیاسی و فرهنگی را در حال و آینده، پیدا کرد.

این بررسی ما را بر آن می‌دارد که پیشینه تاریخی خود را واکاوی کنیم و براساس پیوندها و سنت‌های فرهنگی و تمدنی که پیش از این داشته‌ایم، به ایجاد روابط انسانی مبتنی بر احترام متقابل مبادرت ورزیم (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۴).

### پیشینه تاریخی روابط ایران و مصر

خاورمیانه یکی از کهن‌ترین کانون‌های تمدن بشری است. در این منطقه، دو تمدن ایران باستان و مصر کهن، درخشان‌تر از سایر سرزمین‌ها هستند. موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که در طول تاریخ، چهارراه حوادث و گذرگاهی برای تعاملات فکری و فرهنگی اقوام مختلف بوده است (سرفراز، ۱۳۷۵: ۲۰). دو تمدن ایران و مصر،



در دو نقطه از جهان، همواره دارای ارتباط تمدنی و فرهنگی بوده‌اند. پیشینه روابط ایران و مصر، به دوران حکومت هخامنشی باز می‌گردد. موقعیت جغرافیایی مصر که محل برخورد سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا بود، رقابت ایران و یونان را دامن می‌زد. در سال ۵۲۵ ق.م، کمبوجیه پسر کوروش، با لشکرکشی به «ممفیس» پایتخت مصر، این کشور را به قلمرو هخامنشی ضمیمه کرد. علت اصلی این لشکرکشی را باید در گسترش قلمرو دولت هخامنشی با انگیزه بازدارندگی یونان از استیلا بر شمال آفریقا دانست. در جنگی به نام «پلوژیوم»، لشکر ایران با عبور از غزه و صحرای سینا، مصر را به تصرفات خود افزود و این سرزمین ششمین ساتراپ‌نشین ایران باستان به شمار آمد (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۲). کمبوجیه، سپس، بر آن شد تا بین مصر و ایران اتحاد برقرار کند. از این رو، طبق سنن و مراسم این کشور تاج‌گذاری کرد و بیست‌وهفتمین سلسله فراعنه مصر را تشکیل داد و شیوه تقویم و تاریخ‌گذاری آنان را پذیرفت. همچنین، کمبوجیه در مراسم مذهبی در معبد «نبت»<sup>۱</sup> سر سجده فرود آورد و قربانی‌های زیادی به خدایان مصری تقدیم کرد. او برای احترام به شعائر مصریان، گاو مقدس «آپیس» را محترم شمرد (قربان‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۳۵). به دستور او، تابوتی برای گاو آپیس ساخته شد که از سنگ بود و روی آن تصویر کمبوجیه، در حالی که ردای مصری به تن کرده تا خود را با مردم مصر همگون جلوه دهد، منقش است. تابوتی که به دستور او برای گاو آپیس ساخته بودند، امروزه در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود (اتکینسون، ۱۹۵۶: ۱۶). پس از کمبوجیه، جانشین او داریوش اول و سپس خشایارشا برنامه گسترش دولت هخامنشی را ادامه دادند. داریوش به تقلید و تأسی از کوروش، مصریان را در زندگی خصوصی و مذهبی آزادی گذارد (کاویانی‌راد، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

گستره فرمانروایی هخامنشیان، از آمودریا در خاور و مصر در باختر، و شیوه اداره این گستره عظیم از عجایب دنیای قدیم است. این گستره، فدراسیونی از اقوام مختلف بود که با توجه به گستردگی جغرافیایی و مناطق طبیعی بسیار متفاوت که به چندین میلیون کیلومتر مربع می‌رسید، چشم‌اندازهای فرهنگی متنوعی نیز داشت. فرهنگ به عنوان عامل از یک سو، و چشم‌اندازهای طبیعی مختلف به مثابه محیط زمینه‌ساز (شکویی، ۱۳۷۳: ۱۳۳) از سوی دیگر، جغرافیای فرهنگی ویژه‌ای را در این امپراتوری بزرگ به وجود آورده بود. در کتیبه بیستون، هنگامی که داریوش از کشورها و مناطق

تحت سلطه خویش نام می‌برد، از کشور مصر به نام «مودرایا» یاد می‌کند (احتشام، ۱۳۵۵: ۴۵). نشانه روابط فرهنگی دو کشور ایران و مصر را در نقش برجسته‌های تخت جمشید، نقش رستم، کاخ شوش و پاسارگاد به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

نمودار شماره ۱: مهمترین دوره‌های تاریخی تأثیرات متقابل فرهنگی و سیاسی ایران و مصر

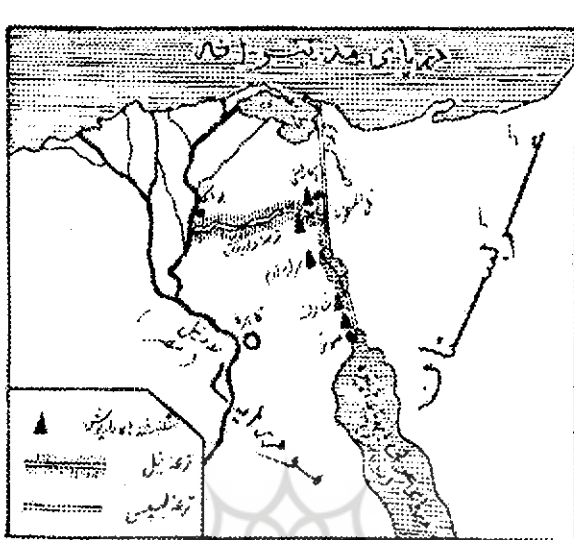


### تأثیرات متقابل فرهنگی ایران و مصر در دوران هخامنشی

در عصر هخامنشیان، فرهنگ ایران تأثیر فراوانی بر مصر به جای گذاشت. در سال ۵۱۷ ق.م، داریوش به مناسبت حفر ترعه نیل بین رود نیل و دریای سرخ، که دریای سرخ را به مدیترانه متصل می‌کند، پنج سنگ نبشته یا کتیبه به خط مصری، پارسی، ایلامی و بابلی تهیه و در مسیر ترعه قرار داد. در حال حاضر، قطعاتی از کتیبه‌های مذکور در موزه‌های بزرگ جهان نگهداری می‌شود (کاوایانی‌راد، ۱۳۸۰: ۱۸۰). در سال ۱۸۶۶، «فردیناند دولسپس»<sup>۱</sup> هنگام حفر کانال جدید، کتیبه «تل المسفوطه» را که در طول کانال نصب شده بود، کشف کرد. گرچه پیش از آن، حفر کانال به فرمان فرعونیه به نام نخانو دوم آغاز شده بود، اما به صورت ناتمام رها شده و داریوش با مشاهده آن تصمیم به اتمام این پروژه گرفت و توجه خاصی به آن مبذول داشت. در واقع، هدف او اتصال نقاط پهناور امپراتوری ایران زمین توسط راه دریایی بود (شکاری نیری، ۱۳۸۱: ۲۶).



تصویر شماره ۱: مسیر کانال نیل، حفرشده به دستور داریوش، مربوط به قرن ششم قبل از میلاد



تصویر شماره ۲: سنگ‌نوشته کشف‌شده در مسیر ترعه نیل، مربوط به قرن ششم قبل از میلاد



تسلط ایرانیان بر مصر به مدت ۲۰۳ سال، تا زمان حمله اسکندر مقدونی به این کشور، ادامه داشت (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۴). مدارک و کاوش‌های باستان‌شناسی، حکایت از همنشینی مسالمت‌آمیز و مراودات انسانی دو تمدن ایران و مصر در عصر هخامنشی دارد. اگر ایرانیان رفتار غیر انسانی با ملت مغلوب داشتند، حکومت آنها تا این اندازه در آن سرزمین دوام نمی‌یافت. دو کشور ایران و مصر طی ارتباط طولانی (دو قرن)، مشترکات فرهنگی گسترده‌ای یافته و زبان مشترکی بین تمدن‌های ایران و مصر ایجاد شد (شکاری نیری، ۱۳۸۱: ۳۶).

تصویر شماره ۳: تل المسفوطه نصب‌شده در مسیر کانال نیل، مربوط به قرن ششم قبل از میلاد



یکی از تأثیرات فرهنگی تمدن ایران عصر هخامنشی بر مصر باستان، احداث چاپارخانه‌هاست. در عصر امپراتوری هخامنشی، چاپارخانه‌هایی به صورت تشکیلات پستی منظم، در فاصله‌های معین در طول جاده شاهی ایجاد شد که می‌توانست اخبار و اطلاعات را در طول یک هفته و بدون توقف، از اقصی نقاط امپراتوری، از جمله سرزمین‌های شمال آفریقا، به پایتخت برساند. به بیان پروفیسور بنونیست<sup>۱</sup> فرانسوی:

۱- Benveniste



در حقیقت، هخامنشیان مخترع پست و چاپار هستند. هخامنشیان برای تحقق روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود با سرزمین مصر چاپارخانه‌های متعددی در مسیر دو سرزمین احداث کردند. این شیوه ارتباط را ابتدا مصریان از ایرانیان اقتباس کردند و بعد به رومیان آموزش دادند. بتدریج احداث شبکه‌های اولیه پستی طی قرن‌های متعددی در تمام مغرب زمین متداول گردید (ص ۲۵).

یکی دیگر از ارمغان‌های تمدن ایران برای مصر، حفر قنات یا کاریز در مصر است. در سال ۵۱۸ ق.م، داریوش هخامنشی فرمان داد در مصر قنات حفر نمایند تا آب رود نیل را از طریق مجاری زیرزمینی به شهر کنونی فاروق هدایت کنند (گیرشمن، ۱۳۶۶: ۲۰۳). از آن پس، احداث قنات در سرزمین خشک پیرامون حوزه رود نیل رایج شد. یکی دیگر از شواهد تأثیرپذیری مردم مصر از ایرانیان، شیوه پوشش مصریان است. دو قرن روابط سیاسی و فرهنگی میان درباریان و بازرگانان دو کشور، موجب شد که ایرانیان شیوه پوشش مردم مصر باستان را تحت تأثیر قرار دهند. الگوپذیری مصریان از شیوه پوشش ایرانی، نشان‌دهنده تأثیر فرهنگی بسیار زیاد ایران باستان بر مصر بوده است. نگاره‌ای از سنگ آهک در مصر به دست آمده و امروزه در موزه «بروکلین» نگهداری می‌شود که زنی مصری را با لباس چین‌دار سبک هخامنشی نشان می‌دهد (کخ، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

تصویر شماره ۴: تندیس زن مصری با لباسی به سبک هخامنشی





مقابلاً، ایرانیان در اثناء روابط دوست‌ساله، شیوه تنظیم تقویم و طب را که در مصر باستان بسیار پیشرفت کرده بود، از مصریان فرا گرفتند (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۷۶). هنرمندان، معماران و حجاران مصری نیز در ساخت بناهای تخت‌جمشید و شوش نقش مؤثری داشتند. مصریان در احداث بناهای سنگی به ویژه تالارهای ستون‌دار سنگی مانند معبد آمون، استادان چیره‌دستی بودند. تأثیر معماری مصریان در کاربرد سردرهای سنگی، که در بسیاری از کاخ‌های تخت‌جمشید به کار رفته است، مشاهده می‌گردد (شکاری‌نیری، ۱۳۸۱: ۳۰). یکی از موارد به جای مانده از مصریان، گچ‌بری‌های باریک و ظریف، طاقچه‌ها و درگاه تخت‌جمشید است. نوع تزئینات ستون‌های عصر هخامنشی، از طرح‌های مصری الهام گرفته شده است. همچنین، در آغاز دهه ۱۳۵۰ ه‍.ق، تندیس بزرگ و بدون سر از داریوش در نزدیکی حیاط شرقی کاخ شاه در شوش کشف شد که در مصر احداث شده است. نقش خطوط هیروگلیف مصری در سمت چپ تندیس، روی خنجر و کمان و کمر بند و در چهار طرف پایه سنگی تندیس، نشان‌دهنده ساخت آن به وسیله هنرمندان چیره‌دست مصری است (وسیموفر، ۱۳۷۷: ۴۴).

تصویر شماره ۵: تندیس داریوش هخامنشی، ساخته‌شده به دست مصریان





## تأثیرات متقابل فرهنگی ایران و مصر در قرون اولیه اسلامی

با ظهور اسلام، دو حوزه تمدن بشری یعنی ایران و مصر به تصرف آن درآمد؛ با این تفاوت که مصر، در زمان تصرف اعراب، بخشی از قلمرو امپراتوری روم شرقی (بیزانس) و ایران کشوری مستقل بود. حمله اعراب باعث شد تا دین اسلام جانشین آیین زردشتی در ایران و آیین مسیحیت قبطی در مصر شود (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۵). بدین ترتیب، ایران و مصر مانند دو جناح شرقی و غربی تمدن اسلامی در آمدند که البته مرکز تمدن اسلامی در بغداد یا شام بود. در عین حال، تفاوت مصر و ایران باید مدنظر قرار گیرد زیرا مصر پس از پذیرش اسلام علاوه بر آیین اسلام، زبان عربی را نیز پذیرفت. به طوری که اینک در زمره کشورهای عرب‌زبان به شمار می‌رود؛ اما ایرانیان به‌رغم سیطره سنگین زبان و ادبیات عربی، که به تبع اسلام وارد قلمرو فرهنگی آن شده بود، زبان فارسی را حفظ نمودند.

یکی از جنبه‌های قابل بررسی در روابط ایران و مصر در دوران اسلامی، تأثیر جنبش‌های دینی - سیاسی و حرکت‌های فکری - فرهنگی ایران بر مصر است. در دوران اسلامی، ارتباطات ایرانیان و مصریان مانند دوران پیش از اسلام ادامه یافت. با حضور مقتدرانه ایرانیان در دربار عباسی، رفت و آمد ایرانیان به مصر که تابع دستگاه خلافت عباسی بود، ادامه یافت تا جایی که تنی چند از والیان مصر، در آن زمان، از ایرانیان بودند. به دنبال تأسیس دولت فاطمی در مصر، مراودات ایرانیان با مصر افزایش یافت. نهضت اسماعیلیه، که مبنای فکری تأسیس دولت فاطمی در مصر بود، توسط یک ایرانی به نام «عبداله میمون اهوازی» تأسیس شد و اندکی بعد دولت فاطمی در مصر، به دست نوه او «سعید»، بنا نهاده شد (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۹). تفکر اسماعیلیه که از دوره سامانیان در ایران به وجود آمد، با تشکیل نهضت فاطمیان شیعی مذهب، بر تحولات سیاسی و اجتماعی مصر اثر گذاشت. سلسله خلفای فاطمی (۵۶۷-۳۵۹هـ.ق) در شمال آفریقا، که به دست مردانی ایرانی‌الاصل به وجود آمد، متأثر از نهضت پیشرفته فکری و اجتماعی به نام اسماعیلیه بود که بخشی از نهضت عمومی مذهب تشیع به شمار می‌رفت. در قرن چهارم هجری، جریان اسماعیلیه و شیعی‌گری بر تحولات دو کشور تأثیر نهاد. در ایران، روحیه مبارزه با حکومت‌های ترکان غزنوی و سلجوقی، و در مصر نیز روحیه ستیز با خلفای عباسی بغداد، تحت تأثیر شیعه‌گری به وجود آمد و پیوند مذهبی مشترک، روابط سیاسی و فرهنگی دو کشور را به یکدیگر نزدیک ساخت. در مراودات ایرانیان با مصر دوران فاطمی، بسیاری از عادات و اعیاد ایرانی، از جمله

جشن «شم النسیم» به تقلید از عید نوروز، در میان مصریان رایج شد. شم‌النسیم یکی از جشن‌های مصریان است که طی آن هر ساله مردم مصر روز نوزده آوریل (سی‌ام فروردین) مانند روز «سیزده بدر» در نزد ایرانیان، تعطیل بوده و به گشت و گذار در طبیعت می‌پردازند (حسینی، ۱۳۸۴: ۲۹).

علاوه بر موارد فوق، تاریخ از مراودات شعرا و حکمای ایرانی با مصر در عصر فاطمی یاد می‌کند. در این دوران، می‌توان به دیدار ناصر خسرو قبادیانی شاعر بلندآوازه ایرانی از دربار فاطمیان اشاره کرد که سرانجام موجب تغییر عقیده او از مذهب تسنن و پذیرش مذهب شیعه اسماعیلی گردید. ناصر خسرو، در سال ۴۵۰ هـ.ق، به دربار خلیفه فاطمی سفر کرد و با قبول مذهب شیعه اسماعیلی با مقام «داعی» یا مبلغ دین اسماعیلیه به زادگاه خود بازگشت و به تبلیغ آیین جدید خود پرداخت.

در این دوران، یکی از مهمترین سفرها به مصر، مربوط به سفر «حسن صباح»، در سال ۴۶۹ هـ.ق، در زمان هشتمین خلیفه عباسی است. در حالی که حکومت فاطمی در مصر بر سر کار بود، حسن صباح منشور رهبری مسلمانان ایران را، که به وی اجازه قیام و شورش علیه دولت مرکزی ایران را می‌داد، از خلیفه فاطمی به دست آورد و جنبش اسماعیلیه را که بیشتر جنبشی سیاسی بود تا عقیدتی، در ایران به راه انداخت. وی مدت یک سال و نیم در دربار فاطمی اقامت گزید تا خود را برای انجام وظیفه‌ای که در ایران برعهده می‌گرفت، آماده سازد.

جامعه مصر در قرون اولیه اسلامی، به ویژه در زمان خلفای فاطمی علاوه بر اشتراک در عقاید سیاسی و مذهبی، در زمینه معماری و هنرهای اسلامی نیز مشترکاتی با جامعه ایرانی داشتند که نمونه بارز آن شیوه معماری جامع‌الازهر مصر است. مسجد جامع‌الازهر در سال ۳۵۹ هـ.ق بنا شد. این جامع، مجموعه کاملی از تحول و تطور معماری و هنر اسلامی محسوب می‌شود که به رغم آفریقایی‌بودن، از معماری آسیایی و ایرانی تأثیر پذیرفته است (صدرایی، ۱۳۸۰: ۵۱). نخستین معماری الازهر، یک مستطیل ساده است و حیاط مرکزی این مسجد، یادگاری از دوران خلفای فاطمی می‌باشد. در اطراف مسجد، رواق‌هایی با قوس‌های جناقی و اصطلاحاً قوس‌های ایرانی وجود دارد. در صفحه بالای قوس‌ها، طاق‌هایی به سبک ایرانی مشاهده می‌شود که در دو سوی آن دایره‌هایی گچ‌بری و تزئین گردیده است (دوپولو، ۱۳۶۸: ۲۳۳). جامع‌الازهر مجموعه کاملی از هنر و معماری دنیای اسلام است که در آن فنون هنر ایران اسلامی به کار رفته است. همچنین، برای نخستین‌بار در دوره فاطمیان، ایرانیان مقرنس‌کاری را به معماران و



هنرمندان مصری آموختند. کاشی‌کاری نیز به عنوان پوشش بنا، میراث دیگری از ایرانیان است که در عناصر تزئینی عهد فاطمیون در مصر مشاهده می‌گردد (نوری، ۱۳۷۹: ۹۷).

### تأثیرات متقابل فرهنگی ایران و مصر در دو قرن اخیر

ایران و مصر، طی دوره‌های تاریخی مختلف، به تناوب در ابعاد سیاسی، دینی و فرهنگی با یکدیگر تعامل داشته‌اند. در دو قرن اخیر نیز جریان رویکرد به غرب و نوگرایی و تجددطلبی، پیدایش جنبش اصلاح‌گری و حرکت اسلام‌گرایی و ظهور اندیشمندان برجسته در ایران و مصر، شکل‌گیری احزاب سیاسی - مذهبی و رشد حرکت روزنامه‌نگاری، از موارد قابل طرح در ارتباطات سیاسی و فرهنگی دو کشور است (ثواقب، ۱۳۸۰: ۶۹). در دوران نوگرایی در سده ۱۹ میلادی، ایرانیان بسیاری در مصر زندگی می‌کردند. یکی از عوامل پیوند ایران با تحولات فرهنگی و سیاسی مصر، سیدجمال‌الدین اسدآبادی (۱۳۱۴-۱۲۵۴ ه‍.ق) بود که سال‌ها در کشورهای اسلامی به نشر افکار آزادی‌خواهی و اسلامی پرداخته و در بیداری مسلمانان نقش عمده‌ای ایفا کرد. سیدجمال‌الدین اسدآبادی. در جریان روزنامه‌نگاری مصر مؤثر بود و به انتشار روزنامه‌های ضیاءالخانفین و عروه‌الوثقی پرداخت (عنایت، ۱۳۶۳: ۷۷).

وی در سفر دوم خود در سال ۱۲۸۷ ه‍.ق به مصر، در دانشگاه الازهر به تدریس علوم حوزوی، به ویژه فلسفه و تدریس علوم غیرحوزوی از جمله علوم اجتماعی و سیاسی پرداخت. آثار و اندیشه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی در جنبش مهدی‌سودانی، کاملاً آشکار است. ریشه‌های فکری این جنبش و تفکرات رهبر آن، از یک سو به تعالیم تصوف و طریقت صوفیانه می‌رسید که ریشه در تفکرات شیخ گیلانی، که از ایران به این سرزمین مهاجرت کرده، داشت و از سوی دیگر، از تعالیم و نظریات سیدجمال‌الدین اسدآبادی تأثیر پذیرفته بود. مهدی‌سودانی (محمد احمد) از رهبران جنبش المهدی بوده و تعدادی از اصحاب و پیروانش، مستقیم و غیرمستقیم، از طریق جامع‌الازهر مصر، تحت تأثیر مکتب و نهضت سید جمال‌الدین قرار گرفته بودند. سید جمال در شماره‌های مختلف نشریه عروه‌الوثقی، با درج گزارشاتی در باره رویدادهای سودان، بارها از مهدی‌سودانی و مبارزات او و پیروانش تجلیل کرده و مسلمانان را به کمک و حمایت از آنها دعوت کرده بود (قربان‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۴۸). وی و محمد عبده، بیشترین نقش را در معرفی قیام مهدی‌سودانی (محمد احمد) نزد مردم انگلستان و در نزد افکار عمومی و آزادی‌خواهان جهان داشتند. ایشان با انتشار روزنامه عروه‌الوثقی،

اخبار مصر و سودان را در اروپا منعکس و دولت انگلیس را به عدم دخالت در امور داخلی این کشورها و تخلیه سودان فرا می‌خواندند. در همین راستا بود که همفکران سیدجمال‌الدین اسدآبادی، «الحزب الوطنی الحر» را در مصر تأسیس کردند (خسروشاهی، ۱۳۷۹: ۸۲). فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی سیدجمال، موجب نارضایتی حاکمان وقت و تبعید او از مصر شد. به‌رغم تبعید سیدجمال از مصر، بدون تردید این مقطع از حضور وی را باید یکی از فرازهای تأثیرگذاری ایران در مصر به شمار آورد که در تحرکات و جنبش آزادی‌خواهی مصر به رهبری سعد زغلول و همچنین شیخ محمد عبده، مؤثر بود. علاقه‌مندی عبده به فرهنگ و زبان فارسی تا آنجا پیش رفت که این شخصیت بزرگ مصری مبادرت به فراگیری زبان فارسی کرد. همچنانکه اهتمام به زبان فارسی، یکی از برنامه‌های تعدادی از دانشگاه‌های مصر همچون الازهر، قاهره، اسیوط، عین شمس و اسکندریه بوده و هست.

متقابلاً، روزنامه‌های فارسی چاپ مصر، اصلاحات و دگرگونی‌های سایر کشورها و به ویژه مصر را منتشر و به داخل کشور انعکاس داده و جامعه ایران را با این تحولات آشنا می‌کردند. چنانچه در اواخر سده ۱۹ میلادی تنی چند از روشنفکران ایرانی که در قاهره می‌زیستند، به چاپ و توزیع روزنامه‌های فارسی‌زبان مانند حکمت (۱۳۱۰ هـ.ق/ ۱۸۹۲ م) به مدیریت میرزا مهدی خان تبریزی، ثریا (۱۳۱۶ هـ.ق/ ۱۹۰۰ م) به مدیریت سید فرج‌الله کاشانی و پرورش (۱۳۱۸ هـ.ق/ ۱۹۰۰ م) به مدیریت میرزا علی محمد کاشانی می‌پرداختند (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۵۹). این روزنامه‌ها چنان مورد توجه روشنفکران و افراد باسواد ایران قرار گرفتند که ورودشان به ایران به وسیله شاه قاجار ممنوع شد. اینگونه روزنامه‌ها، که در خارج از کشور و به دور از نظر دولت قاجار منتشر می‌شد، تأثیر بسزایی در بیداری ایرانیان و آماده‌ساختن آنها برای نظام مشروطه داشت.

یکی از مهمترین ابعاد توسعه روابط ایران و مصر، به ویژه در جنبه فرهنگی آن، با تأسیس یک مرکز فرهنگی با هدف نزدیک‌کردن دو مذهب شیعه و سنی شکل گرفت. این مرکز، که دارالتقرب نام داشت، محفلی برای رایزنی‌های علمای دین از دو مذهب شیعه و سنی شد تا با تأکید بر نقاط مشترک دو مذهب، مشکلات ناشی از جدایی آن دو را، که در پاره‌ای از موارد به درگیری میان پیروان منجر و دستمایه تفرقه و سوءاستفاده استعمار از منازعات ملل اسلامی با هم می‌شد، برطرف نمایند. در واقع، تأسیس دارالتقرب، آغاز عصر روشنگری ملل اسلامی و درک ضرورت همبستگی در برابر استعمار بود که روزگاری با سفر سیدجمال‌الدین اسدآبادی به مصر آغاز شده بود. به

این ترتیب، در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هـ.ش)، «آیت‌اله محمدتقی قمی»، یکی از علمای برجسته ایران، با همکاری جمعی از علمای سنی مصر از جمله «عبدالمجید سلیم» شیخ الازهر در سال ۱۹۴۸، دارالتقرب را با هدف آشنا کردن دو مذهب شیعه و سنی تأسیس نمودند (علیزاده، ۱۳۸۴: ۵۴) که البته محدود به شیعه اثنی عشری نبود و از علمای شیعه زیدیه مانند «شیخ علی مؤید» از یمن و «حاج امین‌الحسینی» از علمای سنی فلسطین نیز در آن فعال بودند. این اقدام آیت‌اله قمی پس از تثبیت مرجعیت آیت‌اله العظمی بروجردی، مورد تأیید این مرجع بزرگ شیعه قرار گرفت. دارالتقرب طی شانزده سال فعالیت خود، مجله «رساله الاسلام» را منتشر کرد که در آن مقالاتی حاوی نظرات شیعه و سنی در مسایل مورد اختلاف چاپ می شد. این مجله، حاصل عملکرد فعال آیت‌اله قمی و «محمود شلتوت» شیخ الازهر بود. در نتیجه تأسیس این مرکز، یکی از جسورانه‌ترین گام‌های مؤثر در نزدیک کردن دو مذهب شیعه و سنی از سوی شیخ محمود شلتوت در سال ۱۹۵۹ میلادی برداشته شد. شیخ شلتوت برای اولین بار در تاریخ اسلام، از زمان تکوین دو مذهب شیعه و سنی، طی فتوای معروفی که در شماره ۲۲۷ مجله رساله الاسلام به چاپ رسید، تصریح نمود که تبعیت از مذهب شیعه دوازده امامی در احکام و عبادات جایز است. صدور جواز تبعیت از مذهب شیعه در کنار مذاهب چهارگانه اهل سنت، به رسمیت شناختن مذهبی بود که برخی از علمای اهل سنت، حکم به تکفیر پیروان آن می دادند و از سوی دیگر، از درک عمیق او، نسبت به ضرورت زدودن اختلافات شیعه و سنی حکایت داشت.

به موازات این جریان در مصر، دکتر شریعتی، سخنرانی‌های ادواری را در حسینیه ارشاد راه‌اندازی نمود که یکی از اهداف آن نزدیک کردن شیعه و سنی به یکدیگر بود. تفکرات اندیشمند روشنفکر و مذهبی کشور ایران، دکتر شریعتی در روشنگری افکار توده مردم، به ویژه جوانان مصری بسیار مؤثر بود. به این ترتیب که قشر جوان و تحصیلکرده مصر از سال ۱۹۸۶ میلادی با آثار دکتر علی شریعتی به ترجمه دکتر «ابراهیم الدسوقی شتاء»، استاد زبان و ادبیات فارسی، آشنا شدند. دکتر الدسوقی با ترجمه کتاب‌های «بازگشت به خویشتن»، «پدر، مادر ما متهمیم»، «انتظار، مذهب اعتراض» و «حسین، وارث آدم»، دکتر شریعتی را به جامعه مصر معرفی کرد. استاد الدسوقی در باره علت جذابیت آثار شریعتی در کشور مصر و جهان عرب می‌گوید: «شریعتی یکی از بزرگترین متفکران اسلامی دوران معاصر است که از زبان شما حرف می‌زند. طرز برداشت شریعتی از اسلام مبنی بر توانایی دین اسلام در برآورده ساختن

تمامی احتیاجات انسان در زمینه‌های شخصی و اجتماعی، و طی ادوار مختلف زندگی، همچنین سبک و روش نگارش شریعتی، از جمله عواملی است که آثار و شخصیت او را برای مصریان جذاب کرده است» (قربان‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۵۱). وی در مورد درجه و میزان پذیرش دکتر شریعتی به عنوان اندیشمند نوگرا در جامعه مصر، معتقد است که همه اقشار، از معلمان گرفته تا روزنامه‌نگاران معروف و در مجموع جامعه روشنفکر و پیشرو مصر، از کتاب‌های دکتر شریعتی استقبال کرده‌اند. حتی طبقه سنتی و متعصب نیز به طرز تفکر والای شریعتی اعتراض نداشتند.

لازم به ذکر است که در سال ۱۹۸۰ میلادی، دارالتقرب به دلیل تیره‌شدن روابط تهران و قاهره بسته شد و دولت مصر فعالیت دارالتقرب را ممنوع اعلام کرد. با افول فعالیت‌های دارالتقرب از یک سو و وقوع انقلاب اسلامی در ایران از سوی دیگر، تفکر تأسیس مرکزی که همان هدف دارالتقرب را ولی فراتر از حسینیه ارشاد تعقیب کند، در ایران شکل گرفت که در نتیجه آن «مجمع جهانی تقرب بین مذاهب اسلامی» در تهران تأسیس شد. اگر چه این مجمع همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد، ولی عدم حضور علمای مصر در آن موجب شد تا گفتمان مطلوب بین مذاهب اسلامی آن گونه که در دارالتقرب وجود داشت، در مجمع تقرب جریان نداشته باشد (علیزاده، ۱۳۸۴: ۵۷).

در همین راستا، در جریان پیروزی انقلاب، سفر شاه به کشور مصر و حمایت جدی انورسادات از وی از یک سو و بدبینی سادات نسبت به اندیشه‌های انقلاب و تعلق نسبت به شناسایی اولین دولت جمهوری اسلامی موجب شد که در اردیبهشت سال ۱۳۵۸، روابط سیاسی ایران با مصر قطع شود. به دنبال قطع روابط سیاسی، سادات اجازه داد تبلیغات علیه ایران از دایره انقلاب فراتر رفته و تفکر شیعی که زیربنای فکری انقلاب ایران بود، مورد حمله قرار گیرد. از این زمان، کتاب‌ها و نشریات بسیاری در مصر و برخی کشورهای عربی دیگر به مخالفت با افکار و معتقدات شیعه می‌پرداختند. لغو فتوای شیخ شلتوت توسط شیخ عبدالرحمن بیصار شیخ الازهر در سال ۱۳۷۹، در همین فضا قابل تفسیر است (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

جنگ ایران و عراق و پشتیبانی مصر از عراق، موجب تیره‌تر شدن روابط ایران و مصر شد، اما پایان‌یافتن جنگ و اهتمام ایران به بازسازی اقتصاد و بهبود مناسبات با کشورهای پیرامون از جمله جهان عرب، زمینه بهبود روابط میان دو کشور را فراهم کرد. به موازات این تحولات، عامل دیگری که در دهه نود میلادی نگرش اعراب از جمله مصر را نسبت به ایران بهبود بخشید، اتحاد استراتژیک و همکاری‌های نظامی بود



که میان آنکارا - تل آویو از سال ۱۹۹۶ میلادی منعقد شد. مخالفت ایران و مصر (به‌رغم پیمان کمپ دیوید) با این اتحاد، موجبات نزدیکی تهران - قاهره را فراهم آورد. به این ترتیب، دو کشور در تاریخ هشتم اردیبهشت ۱۳۷۰/۲۸ آوریل ۱۹۹۱ با گشایش دفتر حفاظت منافع، مبادرت به از سرگیری روابط غیررسمی محدود نمودند. از این پس، روابط اقتصادی محدودی میان ایران و مصر آغاز شد تا در ۱۹ آذر ۱۳۸۲/۱۰ دسامبر ۲۰۰۳ طی دیدار محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت و حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر در ژنو، فصل دیگری از روابط دو کشور گشوده شد. در آخرین تحولات مثبت، رئیس‌جمهور دکتر احمدی‌نژاد نیز بر تقویت روابط سیاسی و بازگشایی سفارتخانه مصر در ایران تأکید کردند.

در عین حال، بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که کاستی‌های فراوانی در روابط دو کشور، از نظر سیاسی و فرهنگی، وجود دارد. یکی از شواهد کاستی‌ها در زمینه روابط فرهنگی، کاهش روی‌آوری دانشجویان مصری به فراگیری زبان فارسی، طی سه دهه اخیر، است. طبق قانون دانشگاه‌های مصر، دانشجویان رشته زبان و ادبیات عرب باید علاوه بر زبان عربی، یکی از سه زبان شرقی یعنی فارسی، ترکی و یا عبری را فراگیرند. قبل از انقلاب اسلامی، بر اساس قراردادی که بین دانشگاه تهران و دانشگاه‌های مصر وجود داشت، دانشجویان و اساتید مصری برای آموختن زبان فارسی به ایران آمده، پس از فراگیری زبان فارسی در سطوح عالی، به مصر مراجعت می‌کردند و به تدریس زبان فارسی می‌پرداختند. در همین راستا، در مصر بالغ بر ۱۰۰ نفر دکترای زبان و ادبیات فارسی وجود دارد که در همه زمینه‌های ادبیات فارسی و تاریخ ایران، به تحقیق و تدریس اشتغال دارند (فلاح‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۵). در دهه‌های گذشته، دانشجویان عموماً زبان فارسی را به‌عنوان زبان دوم برمی‌گزیدند، اما بر اساس آخرین آمارها، نسبت فراگیری زبان فارسی به زبان عبری در دانشگاه‌های مصر، به صورت تأمل برانگیزی، کاهش یافته است.

جدول شماره ۱: درصد دانشجویان علاقمند به زبان فارسی و عبری در دانشگاه‌های مصر

نام دانشگاه	زبان فارسی	زبان عبری
دانشگاه قاهره	۶۰ درصد	۴۰ درصد
دانشگاه ابن‌الشمس	۹۰ درصد	۱۰ درصد
دانشگاه الازهر	۶۰ درصد	۴۰ درصد
دانشگاه اسکندریه	۸۰ درصد	۲۰ درصد

ماخذ: (کدبور، ۱۳۷۳: ۸۳)



در بررسی علل کاهش روی‌آوری دانشجویان مصری به زبان فارسی و افزایش اقبال آنها به زبان عبری، بیش از هر چیز عوامل سیاسی دخیل بوده است. در سال‌های بعد از انقلاب، قطع روابط سیاسی موجب کاهش تعداد دانشجویان علاقمند به زبان فارسی شده است. از سوی دیگر، کوتاهی مقامات فرهنگی ایران و خالی‌کردن سریع عرصه، فضای خالی را در پیش روی سیاستمداران اسرائیلی قرار داد تا از طریق زبان عبری در فرهنگ اسلامی مصر نفوذ و از این طریق اندیشه‌های خود را صادر کنند. برای مثال، در کتابخانه مرکز دراسات شرقی، شش هزار جلد کتاب وجود دارد که از این رقم، دو هزار مجلد آن عبری و صرفاً چهل و چهار مجلد آن فارسی بوده است. سایر کتاب‌ها به زبان عربی یا زبان‌های دیگر است. این در حالی است که دعوت از اساتید و دانشجویان مصری به اسرائیل نیز جای خود را داشته است (کدیور، ۱۳۷۳: ۸۴). این در حالی است که فرهنگ و ادب فارسی و جایگاه آن در دانشگاه‌های مصر، ارزش آن را دارد که پیشگامان ادب ایرانی به این مهم بیشتر پرداخته و جایگاه حقیقی زبان فارسی را به آن برگردانند. بدون تردید، بسیاری از سوء تفاهم‌ها در مصر نسبت به ایران و تحولات پس از انقلاب، ناشی از خلط فرهنگ و ادبیات با سیاست، به ویژه در دهه اول انقلاب بوده است.

با اینهمه، گسترش نسبی روابط فرهنگی در سال‌های اخیر، موجب فعال‌شدن مجدد تعدادی از اساتید زبان فارسی در مصر شد. در این رابطه، کتاب‌های متعددی به وسیله استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های مصر چاپ شده است. برای مثال، تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد براون، که یکی از منابع مهم بویژه برای غیر فارسی‌زبانان به شمار می‌آید، به وسیله دکتر علاءالدین منصور، استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه قاهره و محمد السعید جمال الدین و همکاران او از اساتید گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه عین شمس، ترجمه شد. همچنین، کتاب هفت پیکر نظامی گنجوی در سال ۱۳۸۴، به همت دکتر عبدالعزیز بقوش، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشکده دارالعلوم قاهره ترجمه و منتشر شده است. دکتر بقوش غیر از این اثر، ترجمه کتاب‌های یوسف و زلیخا، سلامان و ابراهیم نورالدین عبدالرحمان جامی و مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین نظامی گنجوی را در کارنامه خود دارد که همه آنها چاپ شده‌اند. در سال ۱۳۸۳، ترجمه کتاب خسرو و شیرین به وسیله دکتر عبدالعزیز بقوش، برنده بهترین ترجمه فارسی در مصر شد (۸۴/۱۰/۲۰ سایت ایکرو).

علاوه بر این، «دکتر احمد محمد نادی» استاد زبان و ادبیات فارسی، پس از تحقیق



و مطالعات فراوان در خصوص منابع و مآخذ کتاب «نام خلیج فارس» و «جزیره ابو موسی و جزایر تنب بزرگ و کوچک»، تالیف دکتر افشار سیستانی، به صحت مطالب عنوان شده پی برده و پس از رایزنی با حافظ منافع ایران در مصر و کسب مجوز، کتاب را به زبان عربی ترجمه کرد. این کتاب در دانشگاه زقاییق که بعد از الازهر بزرگ‌ترین دانشگاه مصر است به عنوان مرجع تدریس می‌شود (۸۳/۷/۱۱ سایت ایکرو). نکته جالب توجه این است که شورای عالی فرهنگ مصر، دیوان اشعار امام خمینی (ره) را به زبان عربی منتشر کرد. در این رابطه «محمد علاء الدین منصور»، استاد زبان‌های شرقی در دانشگاه قاهره، دیوان امام خمینی (ره) را به زبان عربی ترجمه کرده است (۸۵/۳/۱۰ سایت ایکرو). در سال ۱۳۸۶، یکی از دانشجویان ادبیات فارسی دانشگاه منوفیه مصر، پایان‌نامه خود را با عنوان «جمالیات الأداء اللغوی فی شعر قیصر امین‌پور» انتخاب کرده است. در قاهره، زیبایی‌های ادبی شعر زنده‌یاد قیصر امین‌پور سبب شده تا استادان زبان فارسی این دانشگاه، او را یکی از سمبل‌های زیبایی ادب شناخته و نام او را در لیست مفاخر ادب فارسی دانشگاه‌های مصر ثبت کنند (۸۶/۸/۲۱ سایت ایکرو). در بخش سیاسی نیز مؤسسه مطالعات سیاسی و استراتژیک الاهرام مصر، اقدام به چاپ و نشر ویژه‌نامه‌ای با نام «مختارات ایرانیه» (برگزیده‌هایی از ایران) نمود. در این ویژه‌نامه، که هر ماه یک بار به چاپ می‌رسد، موضوعات متنوعی در مورد ایران آورده می‌شود که مشتمل بر مقالات تحلیلی از جمله امور داخلی و روابط بین‌المللی، روابط ایران و مصر و راهکارها و چالش‌های آن است (۸۲/۴/۱۷ سایت ایکرو). گزارش سالانه استراتژیک ایران، عنوان مجله‌ای دیگری است که توسط دکتر مدحت احمد حماد، تألیف و منتشر می‌شود. نامبرده، استاد زبان و تحقیقات ایرانی دانشکده ادبیات دانشگاه سوهاج، در جنوب مصر می‌باشد و سرپرستی یک گروه تحقیقاتی را به عهده دارد، که از سال ۱۹۹۶ تا کنون، این گزارش را تهیه و منتشر می‌کنند. اعضای این گروه، در آغاز اساتید و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌های مصر بودند؛ اما اکنون متشکل از تعدادی پژوهشگر هستند که در رشته‌های مختلف تحصیل کرده‌اند، موضوع پژوهش آنها مرتبط با ایران است. در آغاز این کتاب، بر این نکته تأکید شده است که این گزارش به سفارش کسی تهیه نشده و بر له یا علیه کسی نیست و صرفاً اقدامی در جهت تحقیقات ایران‌شناسی در مصر به شمار می‌آید. این گزارش، قبلاً به شکل مجله چاپ می‌شد و اکنون در قالب کتاب ارائه می‌شود. گزارش سالانه استراتژیک ایران، از این جهت اهمیت دارد که در برگیرنده تحلیل و نظر مصری‌ها در خصوص ایران و یا

حداقل برداشت آنها نسبت به ایران و مسائل آن می‌باشد. همچنین، این کتاب یکی از منابع و مأخذ ایران‌شناسی در مصر است (۸۲/۵/۱۳ سایت ایکرو).

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های تاریخی، می‌توان اذعان کرد که تأثیرات تاریخی و فرهنگی ایران بر مصر ریشه چندهزارساله دارد. در این میان، آنچه سبب تداوم ارتباطات فرهنگی میان این دو کشور شده، احترام به مذهب و پذیرش تکثر فرهنگی شهروندان مختلف دو کشور در دوران باستان و دوره اسلامی بود. در دو قرن اخیر نیز نفوذ تدریجی روشنفکران مسلمان سبب گسترش تأثیرات فرهنگی و سیاسی ایران و مصر بر یکدیگر گردیده است.

در عین حال، پذیرش تکثر فرهنگی به معنای اعطای حق تنوع به گروه‌های فرهنگی در عرصه عمومی است و از این‌رو، حق برخورداری از میراث فرهنگ‌ها، نیازمند سازوکارهای متناسب با فعالیت آزاد گروه‌های فرهنگی و ایجاد روابط سالم سیاسی و اقتصادی میان کشورهای مختلف می‌باشد. با توجه به اینکه ایران و مصر از کانون‌های مهم اسلام در جهان محسوب می‌شوند، توسعه روابط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر دو کشور می‌تواند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. تجدید تعاملات فرهنگی و تمدنی ایران و مصر، به حدی اهمیت دارد که سبب گسترش اشتراکات فرهنگی و اجتماعی دو کشور و تأثیر سیاسی آن بر کل جهان اسلام خواهد شد. در دیدارهای مقامات رسمی دو کشور نیز همواره بر گسترش همکاری‌های علمی، فرهنگی و گردشگری بین دو کشور ایران و مصر تأکید می‌شود. به ویژه، گفت‌وگوی بین ادیان و تمدن‌ها، که محورهای اسلامی و اساسی گفتمان بشری هستند، مورد نظر مقامات دو کشور است. در پانزدهمین کنفرانس بین‌المللی شورای عالی امور اسلامی در قاهره، در اردیبهشت ۱۳۸۲، با عنوان «آینده امت اسلامی» و با هدف ایجاد وحدت اسلامی، که از سوی وزارت اوقاف اسلامی مصر و با شرکت شخصیت‌های علمی، فرهنگی و مذهبی از ۷۲ کشور و ۸ سازمان بین‌المللی اسلامی در قاهره برگزار شد، حضور فعال ایران در این کنفرانس، مورد توجه شرکت‌کنندگان قرار گرفت (۸۲/۲/۲۷ سایت ایکرو). بر این اساس، می‌توان موارد ذیل را به منظور بهبود و گسترش روابط فرهنگی و سیاسی ایران و مصر پیشنهاد نمود:

- برگزاری نمایشگاه‌های فرهنگی مشترک در عرصه‌های صنایع دستی، نقاشی، خوشنویسی و معرفی مشاهیر دو کشور.



- اهداء کتاب به دانشگاه‌ها در زمینه تاريخ، ادبيات، فرهنگ و هنر ايران.  
 - تجليل و بزرگداشت اساتيد زبان و ادبيات فارسي دانشگاه‌هاي مصر.  
 - برگزاري هفته‌هاي فرهنگي مشترک و تبادل استاد و دانشجو بين دو کشور.  
 - انتشار کتاب‌ها و مقالات دانشمندان و محققان زبان و ادبيات فارسي دانشگاه‌هاي مصر با کمک نمايندگي فرهنگي ايران در مصر (در همين رابطه، کتاب «آثار اسلامي از نگاه ايرانيان» نوشته دکتر عبدالحيظ يعقوب حجاب، استاد زبان و ادبيات فارسي دانشگاه قاهره و از شاهنامه‌پژوهان برجسته، به همت رايزني فرهنگي ايران در مصر، چاپ و منتشر شد).

- شرکت فيلم‌هاي ايراني در جشنواره‌هاي فرهنگي بين‌المللي مصر.  
 - شرکت در کنفرانس‌هاي بين‌المللي علمي، فرهنگي، سياسي و اقتصادي.  
 همکاری ايران و مصر در مجامع بين‌المللي و منطقه‌اي، مي‌تواند تأثير و نقش اساسي در بحران‌هاي منطقه‌اي داشته باشد. روابط ايران و مصر از جهت فرهنگي و تاريخي، در جهان اسلام بسيار بااهميت است و بحران‌هاي کوني جهان اينجابه مي‌کند که دو کشور روابط خود را به خصوص در زمينه‌هاي مختلف فرهنگي توسعه دهند.

پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
 پرتال جامع علوم انساني

منابع :

- ۱- احشام، مرتضی (۱۳۵۵)؛ *ایران در زمان هخامنشیان*، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ۲- احمدی، حمید (۱۳۸۲)؛ «هویت ملی ایرانی در گستره تاریخ»، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۱۵، سال چهارم، صص ۹-۴۵.
- ۳- نواب، جهانبخش (۱۳۸۰)؛ «تأثیر جنبش‌های دینی و فرهنگی مصر بر تحولات ایران»، *مجموعه مقالات اولین همایش روابط فرهنگی - تمدنی ایران آفریقا*، جلد اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، صص ۱۳۱-۶۹.
- ۴- حسینی، سیدهاشم (۱۳۸۱)؛ «تأثیر و تأثرات متقابل فرهنگی و هنری دو تمدن ایران و مصر در دوران هخامنشی»، *مجموعه مقالات اولین همایش روابط فرهنگی - تمدنی ایران آفریقا*، جلد دوم، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، صص ۸۳-۶۹.
- ۵- حسینی، مختار (۱۳۸۱)؛ *برآورد استراتژیک مصر*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
- ۶- خسروشاهی، هادی (۱۳۷۹)؛ «روابط تاریخی و فرهنگی ایران و مصر»، *مجله مطالعات آفریقا*، سال پنجم، ش ۲.
- ۷- دوپولو، پاپا (۱۳۶۸)؛ *معماری اسلامی*، ترجمه دکتر حشمت جزینی، تهران: انتشارات رجا.
- ۸- سرفراز، علی اکبر (۱۳۷۵)؛ *مجموعه باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات مارلیک.
- ۹- شکاری‌نیری، جواد (۱۳۸۱)؛ «زمینه‌های تأثیر و تأثر هنری و معماری حوزه‌های تمدنی آفریقا و ایران در طول تاریخ هخامنشی»، *مجموعه مقالات اولین همایش روابط فرهنگی - تمدنی ایران آفریقا*، جلد دوم، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، صص ۵۳-۲۱.
- ۱۰- شکویی، حسین (۱۳۷۳)؛ *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۱- صدرزایی، علی (۱۳۸۰)؛ «بررسی جامع ال‌زهر از دیدگاه باستان‌شناسی و نقش آن در روابط فرهنگی ایران و مصر»، *مجموعه مقالات اولین همایش روابط فرهنگی - تمدنی ایران آفریقا*، جلد اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، صص ۶۸-۵۱.
- ۱۲- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴)؛ *تاریخ جوایده و مجلات ایران*، جلد دوم، چاپ دوم، اصفهان: انتشارات کمال.
- ۱۳- علیزاده، حسین (۱۳۸۴)؛ *بررسی تحلیلی و توصیفی تاریخ روابط ایران و مصر*، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۱۴- عنایت، حمید (۱۳۶۳)؛ *سیری در اندیشه سیاسی غرب*، چاپ سوم، تهران: چاپخانه سپهر.
- ۱۵- فلاح‌زاده، محمدهادی (۱۳۸۳)؛ *جمهوری عربی مصر*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- ۱۶- قربان‌زاده‌آهنگری، محمد (۱۳۸۰)؛ «نفوذ تمدن و فرهنگ و آثار ایرانیان در میان جوامع آفریقایی»، *مجموعه مقالات اولین همایش روابط فرهنگی - تمدنی ایران آفریقا*، جلد اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، صص ۱۵۵-۱۳۳.
- ۱۷- کاروانی‌راد، مراد (۱۳۸۰)؛ «تعاملات فرهنگی تمدنی بین ایران و مصر در عصر هخامنشیان»، *مجموعه مقالات اولین همایش روابط فرهنگی - تمدنی ایران آفریقا*، جلد اول، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات آفریقا، صص ۱۸۵-۱۷۳.
- ۱۸- کخ، هایداماری (۱۳۷۷)؛ *از زبان داریوش*، ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر کارنگ.
- ۱۹- کدیور، جمیله (۱۳۷۳)؛ *مصر از زاویه‌های دیگر*، تهران: انتشارات اطلاعات.



- ۲۰- گیرشمن، رومن (۱۳۶۶): *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۱- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷): «جهان سیاسی در سالی که گذشت»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال دوازدهم، ش هفتم و ششم (۱۲۸-۱۲۷) فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۷، صص ۲۱-۴.
- ۲۲- نوری، نیر (۱۳۷۹): *سهم ایران در تمدن جهان*، تهران: بی‌جا.
- ۲۳- وسیموفر، جوزف (۱۳۷۷): *ایران باستان*، ترجمه مرتضی نایب‌فر، چاپ دوم، تهران: انتشارات شمشاد.
- 24- Atkinson, K.M.T. (1956); "The Legitimacy of Gambyses of Darius as kings of Egypt-Injoas", Vol. LXXVI, pp 16.
- 25- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=195154&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,10.20.1384>.
- 26- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=33521&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,7.11.1383>.
- 27- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=33521&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,3.10.1385>.
- 28- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=527777&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,8.21.1386>.
- 29- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=519503&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,4.17.1382>.
- 30- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=4087&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,5.13.1382>.
- 31- <http://pe.icro.ir/?m=&c=newsShow&NewsId=3320&t=4&q=%d9%85%d8%b5%d8%b1,2.27.1382>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی